



عکس: ایران

برای مثال در مقطعی، جایی می‌خواستند وجوه بانک مرکزی را با تعبیر دولتی بودن این بانک مسدود کنند. همکاران ما در بانک مرکزی می‌گفتند بانک مرکزی مستقل از دولت است، غربی‌ها نمی‌توانند به بهانه دولتی بودن، منابع بانک مرکزی را بلوکه کنند. اما در همین حال مؤسسه پژوهشی وابسته به مجلس گزارشی منتشر می‌کرد که بانک مرکزی ایران مستقل نیست و طرف غربی نیز به همین گزارش‌ها استناد می‌کرد. کما اینکه در بسیاری از موارد، به اظهارنظرهای برخی اشخاص داخلی استناد می‌کردند. در نهایت دو تحریم بانک مرکزی و تحریم نفت در پاییز و زمستان سال ۹۰ کار را خیلی سنگین کرد.

با این اتفاق فاز جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران آغاز شد. کشور از ماه‌های پایانی سال ۹۰ در عرصه اقتصادی دچار مسائل و موضوعات منحصر به فردی شد.

طبیعی بود این رویدادها به تجارت خارجی ما گره خورده و اولین جایی که این فشارها در آن منعکس شود، بازار ارز باشد. بازار ارز جزو بازترین بازارهاست. اگر چند بانک ما تحریم می‌شد چند بانک دیگرمان کار آن را انجام می‌دادند، اما اگر بانک، بانک‌ها یا به عبارتی بانک مرکزی تحریم شود موضوع متفاوت است. آنها با تحریم بانک مرکزی این کار را کردند و با این کار هم نقل و انتقال پول و دریافت درآمدهای نفتی و هم استفاده از ذخایر کشور را سخت کردند. یکی از نقاط قوت کشور ما در مقابله با تحریم‌ها، ذخایر ارزی مناسب بود. وقتی بانک مرکزی تحریم می‌شود، استفاده از این ذخایر به مشکل می‌خورد. از طرفی به طور هوشمندانه‌ای تحریم بانک مرکزی قبل از تحریم نفت صورت گرفت، لذا تحریم نفت هم مزید بر علت شد.

همان‌طور که می‌دانید پایین‌ترین رشدهای اقتصاد ایران مربوط به زمان‌هایی است که فروش نفت تحریم شده و شوک مقداری در بازار نفت وجود داشته است. ممکن است کاهش شدید قیمت نفت بر رشد اقتصادی شما اثر بگذارد، اما این اثر، مستقیم نخواهد بود. ولی وقتی تحریم مقداری نفت اتفاق می‌افتد این اثر مستقیم خواهد بود. بالاخره در شرایط معمول، یک چهارم وزن تولید ملی در اقتصاد ایران به صورت مستقیم، نفت است. یعنی اگر ارزش افزوده بخش نفت را بر کل ارزش افزوده اقتصاد ملی تقسیم کنید، سهم و وزنی حدود یک چهارم دارد. حالا در نظر بگیرید یک‌بارہ جلوی بخش عمده‌ای از صادرات نفت شما گرفته شده و به میزان شدیدی کاهش پیدا کند. نفت



شما را برای جلسه غیرعلنی به مجلس دعوت می‌کنند، سپس قبل از جلسه علیه دولت و با محور مشوش نشان دادن وضعیت کشور حرف‌های خود را رسانه‌ای می‌کردند و بعد خبر جلسه غیرعلنی را پررنگ کرده و در بوق و کرنا می‌کردند

یکی از بازترین بخش‌های اقتصاد ایران بوده و قطعاً بالاترین وزن در باز بودن تجارت اقتصادی ایران را داراست. به فرض اگر در کشور ۴ میلیون بشکه نفت تولید شود حدود ۲/۵ میلیون بشکه آن صادر می‌شود، حالا اگر این ۲/۵ میلیون بشکه به یک میلیون یا حتی ۷۰۰ هزار بشکه کاهش یابد، چه اتفاقی برای اقتصاد ایران خواهد افتاد؟

اوایل پیروزی انقلاب بعد از تسخیر لانه جاسوسی، خرید نفت از ایران تحریم شد. آن سال وقتی رشد بخش نفت ما حدود ۶۷ درصد منفی شد، رشد اقتصادی ما نیز به منفی ۲۳ درصد رسید.

وقتی چند سال بعد از آن، تحریم مقداری نفت لغو شد، رشد نفت در نیمه اول آن سال ۱۳۰ درصد شد و رشد اقتصادی کشور نیز به رغم وجود جنگ به مثبت ۲۳ درصد رسید.

این اثر مستقیم کاهش صادرات و تولید نفت روی رشد کل اقتصاد است. کما اینکه اثرات غیرمستقیم آن را هم باید در نظر گرفت. به هر حال وقتی صادرات نفت به نصف یا یک سوم کاهش می‌یابد به تناسب آن، ناوگان حمل و نقل دریایی - نفتی دچار کاهش ارزش افزوده می‌شود؛ چرا که اصلاً این ناوگان برای حمل و نقل نفت ایجاد شده است.

ما از سال ۱۳۹۰ با پدیده‌های هم‌افزا مواجه شدیم. یکی فضا سازی رسانه‌ای غربی‌ها و دیگری مسائل سیاسی داخل ایران. از طرفی تحریم بانک مرکزی دسترسی درآمدها به ذخایر ارزی و امکان نقل و انتقال پولی‌مان را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در کنار اینها درآمدهای جاری نفتی نیز به شدت کاهش یافت. لذا در سال ۱۳۹۰، اقتصاد وارد یک فاز و دشواری‌های جدید می‌شود. دشواری‌هایی که حتی ما به عنوان دولت نمی‌توانستیم برخی از آنها را بیان کنیم.

من تعبیری داشتیم که تحریم بانک مرکزی در اقتصاد از جنس استفاده از سلاح کشتار جمعی در جنگ است. اما عده‌ای با شنیدن این حرف‌ها مسأله «جام زهر» و... را مطرح می‌کردند. یعنی فضا را طوری طراحی می‌کردند که ما برای انتقال وقایع و حقایق دست‌بسته بودیم. البته همان‌طور که گفتم امریکایی‌ها مکارانه از تجربیات قبلی خودشان استفاده کردند و بعد از تحریم بانک مرکزی به سراغ تحریم نفت رفتند.

● تکانه‌ها تقریباً از اواخر سال ۹۰ تشدید شد. در اواخر سال ۹۰ به چه میزانی نفت می‌فروختیم؟ در ماه‌های اولیه سال ۱۳۹۱ بود که فروش نفت ما حتی در روزهایی به ۷۰۰ هزار بشکه نیز رسید. اما در سال ۹۰، بیشتر، فشار سیستم بانکی و تحریم‌ها را از منظر مالی حس می‌کردیم. البته در سال ۹۱، مشکلات فروش نفت، حمل‌ونقل نفت و ذخیره‌سازی آن و... بیشتر احساس می‌شد.

● از چه زمانی متوجه شدید مشتری‌های نفت ایران کاهش پیدا کرده است؟ این جزء وظایف شرکت نفت بود. اما از اواخر



## عملیات روانی در بازار ارز

مشخصاً از نیمه دوم سال ۹۰، سیاستی که امریکا و غربی‌ها داشتند این بود که اقداماتشان را با عملیات روانی انجام می‌دادند. یعنی فضای رسانه‌ای و ذهنیت‌ها را برای بزرگ جلوه دادن تصمیم، اثربخشی تصمیم و بزرگ‌نمایی اثرات تصمیم‌شان آماده می‌کردند؛ یعنی اینطور نبود که هر مسأله‌ای را بلافاصله تصمیم‌گیری، ابلاغ و اجرا کنند، بلکه با ایجاد یک موج رسانه‌ای کاری می‌کردند که حتی اگر آن تصمیم گرفته نمی‌شد، اثرات روانی آن تصمیم بر اقتصاد ایران تحمیل شود.

پاییز سال ۹۰، که مدام بحث تحریم بانک مرکزی و نفت زمزمه می‌شد، این مسأله پیش‌بینی می‌شد. البته تحریم نفت با تأخیر و به صورت تدریجی اتفاق افتاد. بالاخره حذف ایران از بازار جهانی نفت کار ساده‌ای نبود و نیست. بعضی وقت‌ها پیش خودم فکر می‌کنم شاید این بحران اقتصاد جهانی، یک فرصت و امتیاز مثبتی برای ایران بود. همین الان نیز کشورهای غربی می‌دانند که اگر بخواهند از رکود خارج شوند باید تولیدات‌شان افزایش یابد که افزایش تولید نیز مستلزم افزایش مصرف انرژی است. مصرف بیشتر انرژی نیز، تقاضای نفت را افزایش می‌دهد و این مسأله اهمیت عرضه نفت ایران را بیشتر می‌کند و چشم‌پوشی یک‌باره و کامل از آن را سخت می‌کند. به نظر من حتی در جریان مذاکرات هسته‌ای، این موضوع یعنی مدیریت قیمت نفت از ملاحظات امریکا و غربی‌ها بود، چیزی که عربستان هم به آن کمک کرد.

اوایل سال ۹۰ که قیمت ارز مقداری افزایش یافته بود، دولت بارها اعلام می‌کرد: «بازار ارز حیاتی است». در کنار آن منتقدان اقتصادی دولت، حیاتی بودن بازار ارز را به دلیل چند نرخی بودن ارز مردود می‌دانستند. در سال ۹۰ و در خلال شدت گرفتن تحریم‌ها، نوع انتقادها بیشتر سیاسی و انتخاباتی بود. به طور مثال در شرایطی که دولت در سال ۹۰، فراتر از قیمت ارزی که در سیستم بانکی ثبت و ضبط می‌شد، حتی یک دلار ارز به قیمت بالاتر نمی‌فروخت، اما برخی نمایندگان در جلسات علنی و مصاحبه‌هایشان با رسانه‌ها می‌گفتند: «دولت ارز را با قیمت‌های بالاتر می‌فروشد و از این منابع برای پرداخت بارانه‌ها در هدفمندی استفاده می‌کند.»

● استدلال این نمایندگان در مورد فروش ارز توسط دولت چه بود؟  
من از استدلال آنها خبر ندارم.

● اصلاً امکان‌پذیر است که دولت‌ها تمهید قیمت ارز را برای جبران کسری بودجه و... بالا ببرند؟

ظاهراً در دولت‌های قبل این مسأله اتفاق افتاده بود. قبل از دولت‌های نهم و دهم، کسانی بودند که در برهه‌ای از تاریخ اقتصاد ایران معتقد بودند: «یکی از شیوه‌های تأمین کسری بودجه، افزایش نرخ ارز است». اما این مسأله نیازمند فروش ارز در بازارهای رسمی است چرا که دولت نمی‌تواند در بازارهای غیررسمی ارز بفروشد. البته تصریح می‌کنم که دولت در بازار ارز حضور ندارد و منظورم اینجا بانک مرکزی است که به اصطلاح بانکدار دولت است و طبق قوانین مالی و محاسباتی مسئول وصول، نگهداری و تبدیل ارزهای نفتی متعلق به دولت است. در هر حال، در سال ۹۰، نه خاطر هست و نه مستنداتی به دستم رسید که یک دلار ارز در بازار آزاد توسط دولت فروخته شده باشد. ضمن اینکه در دیوان محاسبات الی‌ماشاء‌الله برای ما پرونده تشکیل دادند اما هیچ گزارش یا پرونده‌ای در مورد فروش ارز توسط دولت یا حتی بانک مرکزی وجود نداشته و ندارد.

یارانه‌ها را اجرا می‌کند. متأسفانه دیدیم افرادی که این انقلاب و نظام به آنها اعتبار بخشیده است و حالا دارای جایگاهی شده‌اند و حرفشان برد و اهمیت یافته است مدعی می‌شوند که در ایران حطی خواهد شد. فکرش را بکنید، شما را برای جلسه غیرعلنی به مجلس دعوت می‌کنند، سپس قبل از جلسه علیه دولت و با محور مشوش نشان دادن وضعیت کشور حرف‌های خود را رسانه‌ای می‌کردند و بعد خبر جلسه غیرعلنی را پررنگ کرده و در بوق و کرنا می‌کردند. علی‌القاعده آنچه قرار است غیرعلنی باشد باید موضوعی نیز مدیریت شود. متأسفانه عملیات روانی غربی‌ها در داخل کشور بنا به مسائل سیاسی مدیریت نمی‌شد و به آن دامن هم زده می‌شد. غربی‌ها به درستی مدعی بودند که این تحریم‌ها هوشمند و پویاست. آنها کمیته‌ای تشکیل داده بودند که

تمام فعالیت‌های اقتصادی ما را رصد می‌کرد.

این کمیته در گزارشی می‌گوید: ما با سفر به ۶۰ کشور دنیا، تمام تحرکات مقامات اقتصادی ایران را رصد کردیم؛ یعنی این یک جنگ فعال بود، به همان میزانی که ما تلاش می‌کردیم به کانال‌ها و مجاری عملیات‌های اقتصادی خود تنوع ببخشیم آنها نیز مقابله می‌کردند. چیزی که غربی‌ها انتظار داشتند این بود که اقتصاد ایران در مقابل این تحریم‌ها دچار فروپاشی شود. من تردیدی ندارم اگر همکاری‌های داخلی وجود داشت ما هزینه‌های خیلی کمتری در تحریم می‌پرداختیم. بخش عمده‌ای از وقت ما صرف توضیح امور برای عده‌ای در داخل کشور می‌شد تا قنط آنها قانع و ساکت شوند یا بخش عمده‌ای از فعالیت‌های ما به خاطر چند اظهارنظر بیجا پنبه می‌شد.



## بانک مرکزی قابل تحریم بود؟

سؤال می‌کنم آیا اقتصاد ایران بعد از این تحریم‌ها فلج شد؟ خوب وقتی آنها می‌گویند ما اقتصاد شما را فلج می‌کنیم، ما چه بگوییم؟ عده‌ای توقع داشتند ما بدترش را بگوییم و اذعان کنیم که با این تحریم‌ها اقتصاد ما نابود خواهد شد! باز یادآوری می‌کنم که بعد از قطعنامه ۱۹۲۹، آنها تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه را وضع کردند که فرای قطعنامه بود. یادم هست بعد از اینکه خزانه‌داری امریکا می‌خواست بانک مرکزی ما را تحریم کند، معاون ارزی وقت بانک مرکزی در جلسات ستاد مقابله با تحریم‌ها می‌گفت: «طبق مقررات بین‌المللی، تحریم بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست.»

که امریکا و غربی‌ها داشتند این بود که اقداماتشان را با عملیات روانی انجام می‌دادند، یعنی فضای رسانه‌ای و ذهنیت‌ها را برای بزرگ جلوه دادن تصمیم، اثربخشی تصمیم‌شان و بزرگ‌نمایی اثرات تصمیم‌شان آماده می‌کردند، یعنی اینطور نبود که هر مسأله‌ای را بلافاصله تصمیم‌گیری، ابلاغ و اجرا کنند؛ بلکه با ایجاد یک موج رسانه‌ای کاری می‌کردند که حتی اگر آن تصمیم گرفته نمی‌شد، اثرات روانی آن تصمیم بر اقتصاد ایران تحمیل شود. البته در این بین، مسائل داخلی نیز بسیار مهم بود. برای مثال طرف مقابل با تصمیمات و اقداماتی باعث می‌شد قیمت کالایی در کشور افزایش پیدا کند. این به مسأله روز کشور تبدیل می‌شد. من به عنوان کسی که شرایط انقلاب و جنگ را از نزدیک درک کرده‌ام، به عینه دیده‌ام، مردم برای گرفتن یک ظرف ۲۰ لیتری نفت در سال‌های اول پیروزی انقلاب برای گرمای خانه‌شان، در صف‌هایی چند کیلومتری می‌ایستادند و کسی نیز اعتراضی نداشت و پیای انقلاب خود ایستاده بود.

اما در سال ۱۳۹۰ در حالی که هنوز اتفاقی نیفتاده بود، یک بازرگان بزرگ و سرشناس در رسانه‌ها اعلام می‌کرد: «چند روز دیگر در ایران حطی خواهد آمد.» شما بروید در مقطعی که این حرف زده شده است از فروشگاه‌های بزرگ ایران سؤال کنید که چقدر روغن، پرنج و... توزیع شد و مردم از ترس حطی چه میزان به ذخیره کالاهای اساسی روی آوردند.

امریکایی‌ها مدعی شدند که می‌خواهند اقتصاد ایران را فلج کنند. اما به رغم این ادعا، ایران هدفمندی